

۱۲ رمز

موفقیت در کار

اثر گلن وان اکرن

با پیش‌گفتاری

از نویسنده‌ی آثار پرفروش زیگ زیگلار

مترجم

سودابه رحمان‌پور

ون اکرن، گلن Van Ekeren, Glenn

دوازده رمز موفقیت در کار / انرگلن وان اکرن؛ با پیش گفتاری از نویسنده آثار پرفروش
زیگ زیگلار؛ مترجم سودابه رحمان پور.
تهران: کتابدرمانی، ۱۳۸۳

ISBN 964-7108-41-9

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
عنوان اصلی:

12 simple secrets of happiness at work : finding fulfillment,
reaping, rewards.

۱. رضایت از کار. ۲. ابراز وجود. ۳. روابط بین اشخاص. ۴. خوشبختی الف.

زیگلار، زیگ Ziglar, Zig B. رحمان پور، سودابه. ۱۳۵۰ - مترجم. ج. عنوان

۱۳۸۳

۶۵۸/۳۱۴۲۲

HF ۵۵۴۹ / ۵ / ۹ و ۶

کتابخانه ملی ایران ۵۶۲۷ - ۸۳ م



انتشارات کتابدرمانی

تهران - میدان انقلاب، خیابان کارگر جنوبی، بین جمهوری و آذربایجان
کوجه کامیاب، پلاک ۱۴
۶۴۲۳۳۷۰ - ۶۹۲۸۴۲۹ ①

۱۲ رمز موفقیت در کار

ترجمه ی: سودابه رحمان پور

چاپ و صحافی: پژمان

لیتوگرافی: نقش آفرین

چاپ اول: ۱۳۸۴

۳۰۰۰ جلد رقعی

بهاء: ۱۵۰۰ تومان

حق چاپ برای ناشر محفوظ است

انتشارات کتابدرمانی

ISBN 964-7108-41-9.

شابک: ۹۶۴-۷۱۰۸-۴۱-۹

تقدیم به

پدرم سعید که یگانه مظهر استواری است و مادرم ثریا که برترین
اسوهی بردباری از ثری تا به ثریاست.

هر آن چه که امروز به نام گوهر دانش داریم و بدان می‌بالیم ثمره‌ی یک
عمر تلاش، تشویق و عشق این دو فرشته‌ی الهی است و بس.



فهرست مطالب

پیش‌گفتار	۹
مقدمه	۱۱

فصل اول

معجونی از کار، عشق و هیجان	۱۶
با آتش عشق و علاقه به کار و زندگی خود گرما ببخشید	۱۶
پول، عصاره و چکیده‌ی کار است	۱۹
اکتفا کردن به موفقیت‌های کوچک، موفقیت‌های بزرگ‌تر را بر باد می‌دهد	۲۲
احساس یأس و ناکامی به خود راه ندهیم	۲۵

فصل دوم

غایت و نهایتی برای خوب بودن وجود ندارد	۳۱
آینده از آن کسانی است که پیوسته در جاده‌ی فراگیری و پویایی گام بر می‌دارند	۳۱
فرا‌تر از جایگاه فعلی خود رشد کنید	۳۵
مهیای آینده شوید	۳۷
به کمتر از عالی اکتفا نکنید!	۴۱

فصل سوم

کار را از آن خودتان بدانید	۴۶
مانند کارفرما کار را از آن خود بدانید	۴۶
کار و عشق و علاقه را با هم درآمیزید	۴۷



- ۴۷ مفهوم تصدی موقعیت شغلی بالا را با تشریک مساعی، اشتباه نگیرید.
- ۴۸ خود را در موفقیت شرکت یا اداره‌ی خود سهیم بدانید.
- ۴۸ لزوم همگانی با تغییر و تحولات را بپذیرید.
- ۴۹ قبل از هر اقدامی، نشستی و سوراخ قایقتان را تعمیر کنید.
- ۵۵ تردید به خود راه ندهید و عقب‌نشینی نکنید.

فصل چهارم

- ۵۸ نهایت تلاش خود را صرف مهم‌ترین امور کنید.
- ۵۸ چند دقیقه هم به زمان فکر کنید.
- ۵۹ ۱- صادقانه از خود سنوآل کنید.
- ۵۹ ۲- کارتان را بر مبنای زمان اوج فعالیتتان برنامه‌ریزی کنید.
- ۵۹ ۳- کارهایی را که برایتان در اولویت قرار دارند، مشخص کنید.
- ۶۰ ۴- در کارهایتان به دنبال رسیدن به نتیجه و موفقیت باشید، نه مشغولیت.
- ۶۰ ۵- نظم و انضباط داشته باشید.
- ۶۰ ۶- زودتر از خواب بیدار شوید.
- ۶۱ ۷- یاد بگیرید که از واژه‌ی «نه» هم استفاده کنید.
- ۶۱ ۸- طرز فکرتان را اصلاح کنید.
- ۶۱ ۹- از خیال‌پردازی دست بردارید.
- ۶۱ ۱۰- همان بار اول، کار را درست انجام دهید.
- ۶۱ ۱۱- از قبل برنامه‌ریزی کنید.
- ۶۱ ۱۲- برای کارهای خود مهلت تعیین کنید.
- ۶۱ ۱۳- برای اوقات بی‌کاری غیر منتظره‌ی خود نیز برنامه‌ریزی کنید.
- ۶۱ ۱۴- ملاقات‌هایتان را طبق برنامه انجام دهید.



- ۱۵- کار امروز را به فردا موکول نکنید، چون اگر امروز از آن لذت ببرید، می‌توانید فردا هم دوباره آن را تکرار کنید..... ۶۲
- یاد بگیرید که برای کارهایتان اولویت و درجه بندی قابل شوید..... ۶۲
- می‌دانم خیلی گرفتاری، ولی چه کارهایی تا به حال انجام داده‌ای؟..... ۶۴

فصل پنجم

- از استعدادتان بهره برداری کنید..... ۶۷
- روی بهترین توانایی‌هایتان متمرکز شوید..... ۶۷
- موفقیت، خط پایان ندارد..... ۷۰
- کمی عمیق‌تر حفر کنید..... ۷۳
- شیوه‌هایی برای کاوش و حفاری عمیق‌تر..... ۷۵

فصل ششم

- طرز برخورد و نوع رفتار، بهترین و اصلی‌ترین نقطه‌ی اتکا است..... ۷۹
- هر ساعت از زندگی‌تان را به ساعتی خوش تبدیل کنید..... ۷۹
- مطابق میل و علاقه‌ی خود رفتار کنید و مطمئن باشید، موفقیت خود به سراغ شما خواهد آمد..... ۸۱
- قوانین راهبری پیرامون شغل..... ۸۳

فصل هفتم

- شخصیت بهتری از خودتان بسازید..... ۹۴
- دقت و توجه داشته باشید، کی هستید..... ۹۴
- قضاوت بهتر و دقیق‌تری از خودتان داشته باشید..... ۹۸
- تا حد توان خود، بهترین باشید..... ۱۰۳



فصل هشتم

- ۱۰۸ آستین همت بالا بزنید و کار را تمام کنید.
- ۱۰۸ کارهای نیمه تمام خود را به اتمام برسانید.
- ۱۱۰ راه حل ساده.
- ۱۱۰ کارهای نیمه تمام.
- ۱۱۲ یا گودال را پر کنید و یا نهالی در آن بنشانید.

فصل نهم

- ۱۱۵ موفقیت، همان جایی است که به دنبالش هستید.
- ۱۱۵ برای خود تصویری از موفقیت ترسیم کنید.
- ۱۱۹ شما چه تأثیری روی دیگران گذاشته‌اید؟
- ۱۲۳ ملزومات اولیه‌ی موفقیت.

فصل دهم

- ۱۲۵ دریچه‌ی تازه‌ای از افق به روی خود بگشایید.
- ۱۲۵ به آن بدی و افتضاحی که فکر می‌کنید نیست!
- ۱۲۸ بر ترس خود غلبه کنید.

فصل یازدهم

- ۱۳۳ خود را عضوی از یک تیم بدانید.
- ۱۳۳ خانه‌ای از اعتماد بنا کنید.
- ۱۳۸ ما همگی اعضای یک تیم هستیم.
- ۱۴۱ هنر تشویق را فرا بگیرید.



فصل دوازدهم

- ۱۴۴ با دنده سنگین حرکت نکنید
- ۱۴۴ شوخ طبعی میهماندار هواپیما
- ۱۴۶ به کارتان با دید باز و روشن بینی نظر کنید
- ۱۴۹ سوخت گیری رایگان است
- ۱۵۱ چاشنی شوخی و سرگرمی را فراموش نکنید



پیشگفتار

به محض مشاهده‌ی عنوان کتاب، «۱۲ رمز موفقیت در کار»

به یاد گفته‌ای ارزشمند افتادم که چند سال پیش از زبان دوست عزیزم دکتر استیو فرانکلین استاد دانشگاه اموری^(۱) نقل شده بود. بی‌تردید، این ترجمه نوعی تفسیر است ولی به هر حال پیام آن کاملاً واضح و گویا است. بزرگ‌ترین حقایق زندگی، ساده‌ترین آن‌ها هستند. واژه‌های عمیق و ژرف لزوماً نباید چند سیلابی و پیچیده باشند. در حقیقت فقط سه رنگ اصلی در طبیعت وجود دارد ولی شگفتی‌هایی که میکلائل با این سه رنگ آفریده است، بی‌نظیر و خارق‌العاده است. ریاضیات فقط از ده عدد اصلی تشکیل شده که آن‌چه انیشتین با این ده عدد انجام می‌دهد، اعجاب‌انگیز است. برای موسیقی فقط هفت نت می‌شناسیم ولی شوپن، بتهوون و ویوالدی با همین هفت نت شاهکارهایی بی‌همتا خلق کرده‌اند.

پیامی که در «۱۲ رمز موفقیت در کار» نهفته شده، بسیار عمیق و گسترده است.

گلن وان اکرن^(۲) در خلق این اثر از حکمت، بینش و معرفتی که طی قرون متمادی از وجود بزرگ مردان هر قشری به بیرون تراویده، مدد گرفته است. او در تحقیق و پژوهش خود (که بسیار وسیع و پر دامنه است) از افرادی نقل قول می‌کند که بسیاری از آن‌ها شخصیت‌های محبوب و مورد احترام من هستند، و در عین حال همه‌ی نکات را با هم گردآوری کرده است. برای مثال هر جا که اشکال و ایرادی هست راه‌حلی هم برای آن ذکر شده است و اغلب راه‌حل‌ها هم بسیار سهل و آسان به نظر می‌رسند. این کتاب، مؤکد این نکته است که اگر شما نهایت کوشش و تلاش خود را به کار بگیرید و با اشتیاق و علاقه کارتان را انجام دهید و به‌خاطر آن‌چه که هستید، آن‌چه که انجام می‌دهید و آن‌چه که اتفاق می‌افتد احساس مسئولیت کنید، می‌توان گفت نقاط حساس زندگی‌تان را شناخته‌اید. گلن نویسنده‌ای است که از خواندن آثارش غرق لذت می‌شوید. او در وهله‌ی اول به زبان خوش، کمی

1. Emory University
2. Glenn Van Ekeren



انتقاد و ملامت می‌کند، یا شاید گوشمالی ملایمی هم می‌دهد که چندان خوشایند نیست، ولی در قدم بعدی راه‌حلی جلوی پایتان می‌گذارد تا بتوانید از عهده‌ی وظایفی که به شما محول شده است به نحو احسن برآیید. در عین حال همه‌ی ابعاد واقعی زندگی را مد نظر قرار می‌دهد؛ از جمله کار گروهی، عشق، پیشرفت تدریجی و مداوم، تکاپو و جست‌وجو برای دستیابی به کامیابی و فرصت‌هایی که در هر برهه از زندگی دست می‌دهد. او به ما می‌آموزد که در این مسیر تنها راه سرخوردن، آن است که در سرراشویی قرار بگیریم و برای هر کاری باید از قبل شالوده و زیربنایی وجود داشته باشد.

در یک کلام می‌توان گفت این کتاب موهبتی است که شما می‌توانید همه‌ی افراد خانواده و اطرافیان خود را با هر شغل و هدفی در زندگی، در آن سهیم کنید تا بهره‌ی لازم را ببرند. خوانندگان این کتاب قادر خواهند بود در منزل، محبوب‌تر، در محل کار، کارآمدتر و در شهر و جامعه‌ی خود شهربندی بهتر و مقبول‌تر شوند.

زیگ زیگلار نویسنده و معلم روحیه بخش



مقدمه

من در طول زندگی‌ام مشاغل متعددی تجربه کرده‌ام. هنگام تحصیل در دبیرستان و دانشگاه به هر کاری که فکرش را بکنید دست زدم؛ از کارگری و باربری گرفته تا رفتگری و شستن ظروف در کافه تریای دانشگاه. حتی یک تابستان هم در اردوگاهی مشغول کار بودم و ده هفته درون چادر زندگی کردم. این کارها هیچ‌کدام برایم جذاب نبود و فقط انگیزه‌ی مادی داشت، به همین دلیل بسیار خسته کننده و ملال‌آور بودند. وقتی می‌دیدم با وجود نیاز مبرم مادی، هنگام دریافت دستمزد باز هم احساس رضایت و خشنودی نمی‌کنم، متعجب می‌شدم. اکثر ما چنین تجربیاتی داشته‌ایم و در وهله‌ی اول بی‌برده‌ایم که در هر کار و رشته‌ای شاید مجبور باشیم وظایفی را انجام دهیم که مطابق میل و ذائقه‌ی ما نیستند. من اغلب سعی می‌کردم خیال‌بافی کنم و در عالم رویا از شر آن شغل‌های کم‌ارزش، تکراری و کسل‌کننده فرار کنم. من همیشه دوست داشتم در رویاهایم بینم شغل مورد علاقه و دلخواه خودم را یافته‌ام ولی تجربیات دنیای واقعی به من ثابت کرد که هر شغلی داشته باشم، شاید باز هم مجبور باشم کارها و وظایفی نیز خلاف میل و روحیه‌ام انجام دهم... که البته این تفکر چندان هم دور از واقعیت نبود.

من برای این‌که به رویاهایم جامه‌ی عمل بپوشانم، باید تمام انرژی خود را در کارهای مورد علاقه‌ی خود متمرکز می‌کردم.

این کشف ساده، نوع نگرش مرا نسبت به کار دگرگون کرد و باعث شد مسیر ۲۵ سال تجربه‌ی حرفه‌ای خود را با احساسی مالا مال از رضایتمندی و لذتی مضاعف طی کنم. باک راجرز عضو هیئت رئیسه‌ی IBM معتقد بود: «ما نباید به شغل به عنوان نوعی نیاز ناخوشایند و اجباری برای پرداخت صورت‌حساب نگاه کنیم بلکه باید به‌خاطر خودمان و نزدیکانی که دوستشان داریم و برایشان ارزش قایلیم، احساس کنیم که از شغل خود باید چیزی بیش از چند ساعت کار مطالبه کنیم. ما خودمان موظف هستیم نیازهای عاطفی، نظیر حس نیاز به افتخار، نیل به کمال و ایجاد رابطه‌ای دلبپذیر با شغل را در خود ارضا کنیم.»

کسانی که همیشه متوقع هستند شغلشان به‌طور تمام و کمال آن‌ها را راضی کند، حقوقشان



مطابق میل و خواسته‌شان باشد و مسئولیت‌های شغلی‌شان فقط در حیطه‌ی کارهایی باشد که از انجام آن لذت می‌برند، همیشه به نحو محسوسی ناامید و سرخورده می‌شوند. ما خودمان باید شغل را چیزی فراتر از وسیله‌ی امرار معاش و کسب روزی بدانیم.

شغل هم می‌تواند قالبی جذاب و دلچسب داشته باشد و یا برعکس، زشت و کریه‌المنظر باشد، تفاوت این دو منوط به نوع نگرش شما است.

کتاب (۱۲ رمز موفقیت در کار) نگاهی تازه و بدیع به مفهوم شغل دارد و فواید تغییر نوع نگرش شما به شغل را بر می‌شمرد.

اصول بنیادین کار به سه عامل توانایی، دیدگاه و رفتار تقسیم می‌شود. در میان هزاران شغل موجود در بازار کار، فکر نمی‌کنم شغلی وجود داشته باشد که این سه عامل در آن دخیل نباشند.

توانایی - کالوین کولیج^(۱) معتقد است: «شمار افراد کم استعداد، بسیار نادر و کم است. ولی ناکامی و عدم موفقیت آنان ناشی از کم استعدادی نیست، بلکه در کاربرد استعدادهای خود دچار ضعف و خطا هستند.» دبلیوسی فیلدز^(۲)، در طول حیات خود ثروت قابل توجهی به هم زد. وی تلاش کرد با سپردن ثروت خود در بیش از ۲۰۰ حساب بانکی در سراسر آمریکا و اروپا، آن را به صورت رازی سر به مهر از دیگران کتمان نماید. حساب‌های بانکی نیز با نام‌های مستعار و غیر حقیقی افتتاح شده بودند. بعد از مرگش، مجریان حقوقی وی فقط توانستند محل ۴۵ حساب بانکی را مشخص کنند. حدود ۶۰۰/۰۰۰ دلار باقی مانده، غیرقابل حصول باقی ماند. حال تصور کنید در حال حاضر ارزش آن سرمایه‌های بکر و بلا استفاده چه میزانی می‌تواند باشد.

بسیاری از مردم، دارای توانایی‌های بالقوه و نهفته و استعدادهای بکر و دست نخورده هستند. این استعدادهای در صورت به فعلیت نرسیدن، شاید روزی فرسوده و کهنه شوند یا حتی اشتباهی صرف‌کاری دیگر شوند و برای همیشه از دست بروند. یکی از قوانین اعجاب‌انگیز طبیعت زندگی، آن است که هر آن‌چه از استعداد و توان خود صرف کنیم و در طبق اخلاص بگذاریم، چند برابر آن را دریافت می‌کنیم.

1. Calvin Coolidge (رئیس جمهور سی ام آمریکا در سال‌های ۱۹۲۹-۱۹۳۳)

2. W.C.Fields (سرمایه دار آمریکایی ۱۸۹۲-۱۸۱۹)



به کار گرفتن تمامی توانایی‌ها و قابلیت‌ها موجب افزایش استعدادها شده و در نتیجه فرصت‌های بیشتری برای استفاده از آن‌ها پدید می‌آید.

دیدگاه - دو نوع دیدگاه نسبت به شغل وجود دارد و ما در انتخاب هر یک از آن‌ها مختار هستیم. دیدگاه اول به توماس ادیسون منسوب می‌باشد که عقیده داشته است: «من در طول حیات خود حتی یک روز هم کار نکرده‌ام، بلکه همه تفریح و سرگرمی بوده است.» ادیسون معتقد بود هدف از کار، ایجاد خلاقیت، کسب لذت و احساس رضایت می‌باشد. با آگاهی از زوایای زندگی او در می‌یابیم، این گفته کاملاً در زندگی‌اش مصداق داشته است. پادشاه افسانه‌ای سی‌سی فس^(۱)، در اساطیر یونان، فردی شرور و بد طبیعت بوده که سمیل نظریه‌ای کاملاً متفاوت است. این پادشاه در دوزخ (عالم اسفل) محکوم به ابدیت و جاودانگی می‌شود. وظیفه‌ی روزانه‌ی او کشاندن صخره‌ای بزرگ بر فراز کوهی عظیم بود که در پایان روز، صخره دوباره از همان جابه پایین سرازیر می‌شد. هر روز تکرار مکررات بود و با کاری سخت، ملال آور و یکنواخت شروع می‌شد و در پایان، فرجامی بی‌معنا در انتظار او بود. تعداد بی‌شماری از مردم دورو برما گمان می‌کنند مسئولیت‌های روزانه‌ای که به آن‌ها محول شده، آینده‌ای از تجربه‌ی ملال آور و بی‌ثمر شاه سی‌سی فس است.

بی‌سی‌فوربز^(۲) نوشته است: «رضایتمندی یا احساس کسالت در کار، از دیدگاه فکری ناشی می‌شود نه نوع مسئولیت.» رمز احساس شادی و سرزندگی، موفقیت و رضایت و نیز کمال در شغل و انجام آن‌چه که دوست داریم، نیست، بلکه دوست داشتن آن کاری است که انجام می‌دهیم. حال به انتخاب شما بستگی دارد. جورج برنز^(۳) می‌گوید: «سعی کنید به آن‌چه که قصد دارید برای معاش پیشه کنید عشق بورزید. من ترجیح می‌دهم در آن‌چه که بدان عشق می‌ورزم، ناکام بمانم تا این‌که در آن‌چه از آن تنفر دارم، موفق و کامیاب بشوم.»

فقط این نکته را به‌خاطر داشته باشید، یکی از مزایای ضمنی دیدگاه توماس ادیسون این حقیقت است که اگر شما به کاری که انجام می‌دهید عشق بورزید، دیگر مجبور نیستید حتی یک روز دیگر هم در زندگی‌تان کار کنید.

1. Sisyphus
2. B.C.Forbes
3. George Burns



- رفتار - کارخانه داری تحت عنوان اندرو کارنگی^(۱) معتقد است: «هر فرد معمولی فقط ۲۵٪ انرژی و قابلیت و توانایی خود را مصرف می‌کند. دنیا به روی کسانی لبخند می‌زند که بیش از ۵۰٪ ظرفیت خود را مورد استفاده قرار دهند و همین‌طور می‌توان گفت دنیا به کام دل افراد فرشته خصال است که ۱۰۰٪ توان خود را به کار می‌گیرند.»

من بارها برای کمک به دوستانم در اثاث‌کشی شرکت کرده‌ام. شما می‌توانید هنگام انجام فعالیت‌های جسمی، درس‌های زیادی از دوستان خود بیاموزید. من اغلب متوجه شده‌ام موقع جابه‌جایی پیانو که فراموش می‌رسد، یک نفر زودتر برای بردن نیمکت خوش خدمتی می‌کند. تا به حال با چند نفر که واجد چنین خصوصیتی هستند در محیط کارتان برخورد داشته‌اید؟ این افراد مشتاقانه داوطلب انجام وظایف مورد علاقه خود یا کارهای سبک و بی‌زحمت می‌شوند، ولی هنگام دست و پنجه نرم کردن با کارهای سنگین و ناخوشایند، ناگهان غیبت می‌زنند. مشاهده‌ی افرادی که بدون در نظر داشتن موقعیت شغلی خود با خلوص نیت، آستین‌ها را بالا می‌زنند و کارهای نه‌چندان مطلوب و خوشایند دیگران را با سعی و جدیت هرچه تمام‌تر به انجام می‌رسانند، انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هدف آن‌ها خدمت به مردم و رسیدن به نفع مشترک است و به‌خاطر آن از وجود خود سرمایه‌گذاری می‌کنند تا به این هدف نایل شوند و از شغل خود لذت کافی ببرند. آن‌ها برای بهره‌بردن از احساس با شکوه رضایتمندی به کارهایی مشغول می‌شوند که دیگران از انجام آن‌ها شانه خالی می‌کنند و وظایف خود را به نحو احسن به انجام می‌رسانند.

مارتین لوتر کینگ^(۲) (پسر)، می‌گوید: «اگر قرار شد زفتگر خیابان باشی، با تمام وجود و از صمیم قلب خالصانه این کار را انجام بدهی، آن‌چنان که میکمل آنژ نقاشی می‌کرد، بتهوون آهنگ می‌ساخت و شکسپیر شعر می‌سرود.

چنان خیابان‌ها را زفت و روب کنی که زمین و زمان احسنت گویند از حرکت باز ایستد و ندا برآورد که در اینجا زفتگر بزرگی زندگی می‌کرد که به سبب کارش شهره‌ی آفاق بود.»

در دنیای حرفه‌ای افرادی شماری هستند که کنار گود، آماده فرصت مناسبی هستند تا در موقع لزوم وارد معرکه شوند. آن‌ها همواره به حالت آماده باش هستند تا زمانی که وضعیت به حالت

1. Andrew Carnegie

2. Martin Luther King, Jr



«کاملاً مناسب» در آمد، خودی نشان دهند. این افراد فقط زمانی کمی بیشتر از خود مایه می‌گذارند که بوی پول به مشامشان برسد و هرگاه اطمینان داشته باشند کسی متوجه آن‌ها است، چم و خم کار را به دست می‌گیرند. ساعت این مسابقه همواره به تیک تاک خود ادامه می‌دهد و آن‌ها هم‌چنان در انتظار هستند. ولی متأسفانه وضعیت بدتری نیز وجود دارد و بعضی هیچگاه فرصت عرض اندام در این بازی را به دست نمی‌آورند.

چاک کالس^(۱) نویسنده‌ی اثر «چرا آمریکا کار نمی‌کند» در کتاب خود می‌گوید: «هر قدر دلتان می‌خواهد سازمان تأسیس کنید، هر چه می‌خواهید قانون اصلاح کنید، بهبود آیین کار در یک نکته خلاصه می‌شود؛ و آن، این است که ما باید این قانون را در قلب و ذهن تک‌تک افراد جامعه اصلاح کنیم.» موفقیت و موفقیت هر اداره، واحد تولید، بخش فروش، سرویس دهی، همه و همه منوط به آن است که هر کس چه قدر از دل و جان برای کارش مایه بگذارد. تا حرکتی نباشد، حرکتی نیز به دست نمی‌آید.

حال هر حرفه و پیشه‌ای دارید با آن دست و پنجه نرم کنید. کار را صرفاً وسیله‌ای برای معاش یا بهایی برای بالا رفتن از پله‌های نردبان ترقی ندانید. در نظر داشته باشید که کار یکی از ملزومات و مواد اصلی زندگی باکیفیت است. شما اول خودتان را غرق کار کنید، بعد می‌بینید که موفقیت خود به دنبالان می‌گردد و به سراغتان می‌آید.

میزان اعتماد به نفس، رضایتمندی و لذتی که شما در حرفه‌ی خود تجربه می‌کنید، همه منوط به عملکرد و نظر خود شماست. برای تغییر جهت سبک زندگی از «بایدها» به «خواسته‌ها» همیشه این دو سؤال را مد نظر داشته باشید: «من از دنیای حرفه‌ای خود چه انتظاری دارم؟» «می‌خواهم چه کار کنم تا آن اتفاق بیفتد؟» کتاب حاضر در برگیرنده‌ی منابع مورد نیاز شما برای مشارکت در این امر و لذت از این تشریک مساعی است.



فصل اول

معجونی از کار، عشق و هیجان

اتکیزه آتش است که از درون شما زبانه می‌کشد. اگر فرد دیگری بفواید این آتش را در دل شما روشن کند، گرمای آن پنهان دوا می‌نماید داشت.

(۱) استفان کلاوی

با آتش عشق و علاقه به کار و زندگی خود گرما ببخشید

موقیعت، آتشی نیست که خود به خود مشتعل شود. شما خودتان باید جرقه‌های این آتش را در دل خود شعله‌ور کنید.

(۲) رهی لیچ

«روزی روزگاری مردی زندگی می‌کرد به نام جو که شغل پست و کثیفی داشت.» این جمله، کلام

آغازین فیلمی است از استیون اسپیلبرگ در سال ۱۹۹۰ تحت عنوان «جو در برابر آتشفشان».^(۳)

در این فیلم، جوبنکس که ایفای نقش او را تام هنکس برعهده دارد در کار و زندگی به ناامیدی مطلق رسیده است. هر روز برایش عذاب آوراست. رئیسش همیشه با او بحث می‌کند. همه‌ی این فشارها روی هم تلنبار می‌شوند و او را به جایی می‌کشاند که فکر می‌کند دیگر طاقتش تمام شده و زندگی پوچ او به لب پرتگاه نیستی رسیده است. او در اوج خشم و یأس ناله می‌کند: «من دیگه از دست رفته‌ام.» در همین زمان پی می‌برد به بیماری وخیم و خطرناکی به نام «افسردگی روحی»^(۴) مبتلا شده است؛ یک تشخیص موهوم و ساختگی که او را متقاعد می‌کند فاقد روحیه‌ی زندگی است.

1. Stephen Covey

2. Reggie Leach

3. Joe Versus the Volcano

4. Brain Cloud